جهان امروز

سیاسی، خبری

www.cpiran.org

شماره ۸۱

نیمه اول فروردین ۱۳۸۱

نیمه اول آوریل ۲۰۰۲

JE

P:O:Box 3103

143 03 Vårby

SWEDEN

ha@cpiran.org

اطلاعیه جمعی از فعالین و اعضای سابق کومه‌له وحزب کمونیست ایران

صفحه ۳

بیانیه کمیته مرکزی کومه‌له در پاسخ به اطلاعیه‌جمعی از کادرها، فعالین و اعضای سابق حزب کمونیست ایران

صفحه ۴

بسوی برگزاری باشکوه اول ماه مه!

اول ماه مه، نه متبرک مسجد و کلیساست و نه روز پایکوبی در کاخها و دربارها. در این روز نه قدیسی از آسمان نازل شده و نه پادشاهی بر تخت نشسته است.

اول ماه مه، روز مارش جهانی کارگران علیه فریب و سرکوب است. هر سال در این روز همه چرخهای تولید از حرکت باز می ایستد تا آن قدرت عظیمی که جهان سرمایه بر استثمار او بنا شده است، در برابر جهان واژگونه بایستد و با بانگی رسا به همه جهان اعلام کند که: «ما کارگران، سازندگان سرمایه ایم و نابود کننده آن! حیات سرمایه از کار و رنج ماست و مرگ سرمایه در قدرت اتحاد ما!»

اول ماه مه، عید قربانیان دنیای کهن و برپادارندگان جهان آینده است، روز جشن اتحاد امروز و پیروزی فرداست! با شرکت یکپارچه خود در این جشن، اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران را به نمایش بگذاریم. **زنده باد اول ماه مه!**

گوشه‌هایی ازمبارزات کارگران

صفحه ۴

خاورمیانه در آستانه یک فاجعه عظیم!

صفحه ۸

تأملی بر جنبش زنان!

صفحه ۵

تجمعات توده‌ای دور اخیر، نمایش مجدد پتانسیل جنبش انقلابی کردستان!

طی چند هفته اخیر شاهد زنجیره‌ای از تجمعات و اعتراضات وسیع و توده‌ای در تمام یا اکثر شهرهای کردستان بودیم . این تجمعات و اعتراضات عمومی که حداقل از سه سال قبل به سنت عمومی در کردستان تبدیل شده است از جنوب تا شمال کردستان را در بر گرفت.

با فرارسیدن بهمن ماه، ماه پیروزی قیام مردم ایران علیه حکومت ستمکار شاهنشاهی، هر ساله جنبش و تحرک تازه‌ای در میان مردم کردستان آغاز و با مراسمهای نوروزی و شروع سال جدید تقریباً فروکش میکند. امسال هم وضعیت مشابه سال گذشته بود. مضافاً اینکه ابعاد تجمعات و اعتراضات وسیعتر و شمار شرکت کنندگان بیشتر و از سازماندهی بهتری برخوردار بود . در ده روز نیمه دوم بهمن ماه که جمهوری اسلامی آن را (دهه فجر) نامیده است تحرکات با زور آزمایی میان مردم و جمهوری اسلامی آغاز شد. جمهوری اسلامی هر ساله در این مدت میخواهد مردم را برای نمایشات خود تحت عنوان روزهای پیروزی قیام سال ۵۷ به خیابانها بکشاند. اکثریت قریب به اتفاق مردم آگاه و هوشیار کردستان نه تنها فریب دروغ و دغل کاریهای جمهوری اسلامی را به عنوان وارث قیام مردم ایران نمی خورند بلکه به حکومت اسلامی بعنوان غاصب دستاوردهای قیام خود نگاه میکنند و با خودداری از شرکت در نمایشات (دهه فجر) و تحریم آگاهانه آن نفرت خود را از رژیم علناً اعلام می دارند. مراسمهای رژیم با حضور جمع معدودی از مأمورین و کاربدستان حکومتی ، تعدادی از کارمندان اداری و بخشی از معلمین و دانش آموزان که آنها را با تهدید و اجبار به چنین نمایشاتی می برند، در میان بی اعتنایی و تمسخر مردم کردستان به پایان می رسد. اما رژیم به شدت نگران تجمع غیردولتی و مانع مراسمات مستقل توده‌ای می گردد.

همزمان با سالروز قیام شکوهمند سال ۵۷ ، روز کومه‌له که ۲۶ بهمن ماه است فرا میرسد. روز کومه‌له اکنون در کردستان به روزی فرا سازمانی و روزی متعلق به کارگران و زحمتکشان کردستان، زنان ستم دیده و برابری طلب، جوانان تشنه آزادی، دهقانان محروم و در یک کلام به سمبلی برای آزادیخواهان و جناح چپ و سوسیالیست جامعه کردستان تبدیل شده است. در این روز علی‌رغم حضور گسترده نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و ممانعت با هر تجمع و گردهمایی، کوچه و خیابان اکثر شهرهای کردستان مملو از شعار و تراکت و نوشته های کومه‌له می گردد. دهها مراسم بزرگ و کوچک ، که مراسمهای امسال سنندج ، سقز ، مریوان و بانه و اشنویه گوشه های از آن بود برگزار میگردد و پرچمهای سرخ که نشانه حضور قدرتمند کمونیستها در جنبش انقلابی کردستان است به اهتزاز در می آید. بر روی کوهها و ارتفاعات مسلط بر شهرها آتش

⇦

روشن میشود که امیدبخش رهایی از ستم و سرکوب و سیاهی حاکمیت جمهوری اسلامی و ذوب شدن برف های ستم و طلوع آفتاب زحمتکشان را نوید می دهد. در ۲۶ بهمن حضور فعال و علنی کومه له در جامعه کردستان کاملاً آشکار است.

روز سوم اسفند هر ساله یادآور کشتار وحشیانه مردم قهرمان شهر سنندج در سال ۱۳۷۷خورشیدی است. در این روز مردم آزادیخواه شهر سنندج به دستور استاندار کردتبار وقت، عبدالله رمضانزاده از طرفداران خاتمی و سخنگوی کنونی دولت، علی رغم اجازه رسمی استانداری برای تظاهرات در اعتراض به دستگیری (عبدالله اوجالأن) به شیوه بسیار وحشیانه به رگبار گلوله بسته شدند و دهها تن از آنها جان خود را از دست داده و عده ای مجروح و شمار زیادی دستگیر شدند. هر ساله یاد این رویداد و قربانیان آن با اعتراض و ابراز تنفر و خشم از حکومت اسلامی در تعدادی از شهرهای کردستان بخصوص منطقه جنوب و شهر سنندج گرامی داشته میشود.

۸ مارس روز جهانی زن یکی دیگر از روزهای است که گرامیداشت آن از جانب زنان و مردان آزادیخواه و برابری‌طلب در تجمعات بزرگ و کوچک برگزار میشود. در تجمعات امسال ۸ مارس در شهرهای مختلف کردستان، زنان مقنعه و حجاب اسلامی را که نشانه فرهنگ مذهبی و مردسالار است زیر پا نهادند و بر حقوق برابر زنان با مردان که حقوقی جهان شمول است تأکید مجدد گذاشتند.

تب و تاب و شور و شوق روزهای بیست و دو بهمن، بیست و شش بهمن روزکومه‌له، سه اسفند و ۸ مارس روز جهانی زن هنوز تمام نشده که مراسم چهارشنبه سوری و نوروز فرا میرسد . برگزاری این دو مراسم امسال در کردستان از ویژگی خاصی برخوردار بود و تجمعات عظیمی برگزار شد. ویژگی این دو مراسم امسال ، اساساً در مخالفت سران رژیم اسلامی بخصوص علی خامنه ای رهبر مذهبی رژیم اسلامی با تجمعات و شادی مردم به بهانه همزمانی این روزها با مراسم مذهبی محرم بود.

در تقابل با امر و نهی سران رژیم در مخالفت با برگزاری این مراسمها، تجمعات امسال کاملاً رنگ و بوی سیاسی و مبارزاتی داشت و دهن کجی آشکار به حکومت اسلامی و رهبران و سیاستهای آن بود. البته این واقعیت تنها محدود به کردستان نبود بلکه در دیگر نقاط ایران هم آشکارا خود را نشان داد.

اما در کردستان نگرانی رژیم بیشتر بود. سران حکومت اسلامی به وضوح میدانند که در کردستان از کمترین اعتماد و اعتباری میان مردم برخوردار نیستند و با زور اسلحه و قدرت نظامی بر دریای نفرت و بیزاری مردم کردستان حکومت میکنند. همین واقعیت خواب راحت را از چشم سران رژیم ربوده است . مراسم های عادی شادی و خوشحالی مردم در چهارشنبه سوری و نوروز در بسیاری از شهرهای کردستان از جمله سنندج، مریوان، بوکان، مهاباد، سردشت و بعضی جاهای دیگر با دخالت خشونت بار نیروهای انتظامی به تشنج و درگیر منجر شد. در این درگیریها صدها تن از جوانان و مردم تشنه شادی و آزادی توسط جنایتکاران اسلامی دستگیر و بازداشت و شکنجه و زندانی شدند. در جواب به زورگویی نیروهای سرکوبگر رژیم مردم آزادیخواه بخصوص جوانان به دفاع از خود پرداخته و با نیروهای مسلح درگیر شدند و جواب زورگویی آنها را در محل دادند.

دخالت وحشیانه نیروهای رژیم در تجمعات عادی و مسالمت آمیز مردم شهرهای کردستان و ایران، بکار بردن خشونت در مقابل مردمی که تنها جرم آنها تجمع و ابراز شادمانی است بیانگر این واقعیت است که خشونت بخشی از هویت سیاسی و ایدئولوژیک حکومت اسلامی و در خدمت تولید و باز تولید استثمار بورژوازی در ایران و حفظ سیستم موجود و اعمال ستم وسرکوب است . امروز آشکار است هر اندازه رنگ و روغن کاری کردن چهره کریه نظام اسلامی تحت عنوان «اصلاحات و تعبیر انسانی از اسلام» اساساً برای حفظ کلیت نظام در مقابل با اعتراضات درحال گسترش مردم ایران است. دمکراسی و حقوق بشر و آزادی، حتی از نوع بورژوازی آن، آشکارا در تعارض و ضدیت با هویت، قانون اساسی و جمع خودگمارده مافوق اراده مردم است که مشروعیت خود را از خدا کسب کرده اند.

برگزاری تجمعات و مراسمهای زنجیروار توده‌ای از بیست دو بهمن تا چهارشنبه سوری و نوروز که شرکت زنان و جوانان و عنصر سازماندهی از برجستگی های آن بود بار دیگر نیرو و پتاسیل جنبش انقلابی کردستان را به نمایش گذاشت.

در شرایطی که جریان سنتی و محافظه کار بر احترامش بر(شئونات اسلامی و ماه محرم و امام حسین) تأکید میکرد و چپ تازه به راست گرویده و شیفته اصلاحات به جوانان کردستان گوشزد میکرد (بهانه به دست رژیم ندهید) ، نقش کومه له و نسل جوان و رهبران کمونیست و سیاستهای رادیکال و انقلابی در هدایت و سازماندهی تجمعات و مبارزات دور اخیر در کردستان غیرقابل انکار و چشم پوشی است . این واقعیت نقطه قوت جنبش انقلابی کردستان در حال و آینده و ضامن تداوم و پیروزی آن است .

پیشروی و تأثیر جنبش رادیکال سرتاسری در چند سال گذشته بر رشد جنبش انقلابی کردستان طی دورهای اخیر را نمی توان انکار و یا نادیده گرفت. این امر تأکید مجددی بر این واقعیت ساده است که جنبش انقلابی در کردستان بیشترین دور و تأثیر را از جنبش انقلابی در ایران می پذیرد و کم دردسترین راه پیروزی آن در همکاری و هم سرنوشتی با جنبش سرتاسری در ایران است.

اکنون به همت اعتراضات و مبارزات کارگری و توده ای در چند سال اخیر فضای سیاسی آزادانه‌تری در ایران باز شده است و دیوار ضخیم استبداد و دیکتاتوری شکافهای عظیمی برداشته است . در چنین شرایطی جنبش انقلابی کردستان میتواند با اتخاذ سیاستهای کمونیستی و رادیکال، با همگامی و هم آهنگی با جنبش کارگری و رادیکال سراسری و با درس گرفتن از بیست و سه سال مبارزه بی وقفه و خلل ناپذیر بانظام استبداد مذهبی و با اتکا به جنبش کارگری و توده ای، جنبش زنان و جوانان و دیگر اقشار تحت ستم راه پیشروی خود را به سوی آینده روشن و رهایی بخش هموار کند.

در سیر چنین روندی است که مردم آگاه و هوشیار کردستان میتوانند با اتکا به تشخیص درست وآگاهانه خویش، عزم و اراده خود را برای پایان دادن به هر گونه ستمی از جمله رفع نهایی ستم ملی و اعمال اراده خویش بر تعیین سرنوشت خود اعمال نمایند.

اعتراضات و مبارزات توده ای چند هفته اخیر را باید بعنوان گامی در راستای عرض اندام مجدد جنبش انقلابی و توده‌ای کردستان به منظور پایان دادن به ستم و استثمار نظام اسلامی سرمایه ارزیابی و آنرا تقویت و مورد حمایت همه جانبه قرار داد

حسن رحمان پناه

۲۷_۳_۲۰۰۲

جهان امروز

سیاسی. خبری

سردبیر:
هلمت احمدیان

ha@cpiran.org

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

حساب بانکی جهان امروز

S-E Banken
F-S
53682990054

ـ «جهان امروز» تنها مطالبی را چاپ می‌کندکه صرفا برای این نشریه ارسال شده باشد.

ـ استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.

ـ مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.

ـ مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی دو صفحه آ۴ با سایز ۱۶ می باشد.

اطلاعیه جمعی از فعالین و اعضای سابق کومه‌له وحزب کمونیست ایران

کومه‌له بمثابه جریانی چپ و کمونیست بر متن تغییرات بنیادی اقتصادی و اجتماعی در جامعه کردستان شکل گرفت.

کومه‌له با علنی شدن در جریان قیام ۵۷ توانست طی پروسه فعالیت خود در دفاع از خواستهای طبقاتی کارگران و زحمتکشان، تشکیل و بسط تشکلهای توده‌ای و دمکراتیک، دفاع از حق تعیین سرنوشت و دفاع پیگیرانه از منافع جنبش انقلابی خلق کرد، دفاع از حقوق زنان، مبارزه علیه جهل و خرافه در جامعه، دفاع از آزادی بی قید و شرط سیاسی و ... به یک جریان پر نفوذ اجتماعی در کردستان و نیرویی مطرح در جنبش چپ ایران تبدیل شود.

در طی چند سال مبارزه و تداوم پیگیرانه خواستهای طبقاتی در ایران و کردستان و شرایط مناسب بوجود آمده در میان بخشی از چپ ایران به تشکیل حزب کمونیست ایران پرداخت. در پروسه‌ای که اوضاع و احوال ایران و جهان دستخوش دگرگونیهای سیاسی جدی شد گرایشات مختلف توانست در حزب شکل گرفته و بعد از دوره‌ای از تقابل سیاسی به اولین انشعاب تشکیلاتی در درون حزب منجر گردید. در چند سال اخیر نیز کشمکشهای سیاسی و تشکیلاتی دوباره انشعاب دیگری را بدنبال داشت که عمدتا از تحولات جدید سیاسی در ایران مایه می‌گرفت و به تضعیف بیشتر کومه‌له و جنبش چپ در کردستان و ایران منجر گردید.

ما جمعی از اعضا و فعالین سابق کومه‌له که هر کدام بنابه دلایل گوناگونی مدتی از فعالیت منظم تشکیلاتی به دور بوده‌ایم اما در عین حال هر کدام از ما نسبت به اوضاع و احوال سیاسی در جامعه و سرنوشت تشکیلات حساس بوده ایم و با وجود انتقادات و کمبودهایی که در این جریان بوده و هست کماکان معتقدیم که این جریان دارای پتانسیل برتر برای ایفای نقش موثر در تحولات آتی ایران و کردستان به نفع کارگران و زحمتکشان می‌باشد.

ما امضا کنندگان این اطلاعیه از همهٔ دوستداران، فعالین و اعضای سابق کومه‌له و حزب کمونیست ایران دعوت می‌نمائیم که در شرایط کنونی احساس مسئولیت سیاسی بیشتری نموده و در دفاع از کمونیسم و اهداف تاریخی این جریان و با پشتیبانی مادی، معنوی و عملی خود در جهت تقویت آن، قدمهای عملی بیشتری به جلو بردارند.

۱ ـ نوشین ابراهیمی ۲ ـ کاوه احمدی ۳ ـ محمد آسایش ۴ ـ مریم افراسیابپور ۵ ـ غلامعلی آتشین ۶ ـ شهلا امینی ۷ ـ باقر الیاسی ۸ ـ علی احمدی (شیپانه‌جو) ۹ ـ وریا امجدی ۱۰ ـ ثویبه امینی ۱۱ ـ ابراهیم امیری ۱۲ ـ فریبا امین وزیری ۱۳ ـ سلیمان امین‌زاده ۱۴ ـ خدیجه امانی ۱۵ ـ علی بزرگپناه ۱۶ ـ زینب پور حسن ۱۷ ـ پری تاجوانچی ۱۸ ـ عیسی جمشیدی ۱۹ ـ زهره حسن‌پور ۲۰ ـ علی حق‌بیان ۲۱ ـ حسین حمیدی ۲۲ ـ سید کامل حسینی ۲۳ ـ حسین جانه ای ۲۴ ـ اقبال خاتمی ۲۵ ـ معصومه خالدی ۲۶ ـ فوزیه ختمی ۲۷ ـ شمسی خرمی ۲۸ ـ جلال خورخوره ۲۹ ـ یوسف خلیل پورآذر(پاراستان) ۳۰ ـ آفاق داودی ۳۱ ـ زاهد داربیگی ۳۲ ـ زبیده ذبیحی ۳۳ ـ سید خالد رحمتی ۳۴ ـ اکبر رحیمی ۳۵ ـ عزیز رضایی (سهراب) ۳۶ ـ مهدی رستمی(خورمهر) ۳۷ ـ سعید رشیدی ۳۸ ـ احمد شندره ۳۹ ـ کاوه رحیمی ۴۰ـ علی رموزی ۴۱ ـ حسین زارعی ۴۲ ـ اقبال سبحانی ۴۳ ـ حبیب‌الله سلطانی ۴۴ ـ اسعد سلیمی ۴۵ ـ ناصر سبحانی ۴۶ ـ کریم سیسیری ۴۷ ـ منوچهر سهرابی ۴۸ـ جمشید شیرزاد ۴۹ـ ناصر طاهری ۵۰ ـ صالح صالح‌پور (کوله‌سه) ۵۱ ـ دکتر احمد عزیزپور ۵۲ ـ مسعود عظیمی ۵۳ ـ مریم عزیزیان ۵۴ ـ یحیی عبدی پناه اویهنگ) ۵۵ ـ عبدلله عبداللهی ۵۶ ـ فرشید غفارنژاد ۵۷ ـ رحمان غلامی ۵۸ ـ ثریا فتاحی ۵۹ ـ رضا فیض‌الله بیگی ۶۰ ـ گلرخ قبادی ۶۱ ـ اسماعیل قهرمانی ۶۲ ـ حسن کاکوندی ۶۳ ـ علی کانی‌تال ۶۴ ـ ابراهیم کریم‌پور ۶۵ ـ امیر کلاه‌قوچی ۶۶ ـ اختر کمانگر ۶۷ ـ مسعود کوثری ۶۸ ـ جمشید کانی کهوه ۶۹ ـ طوبی کمانگر ۷۰ ـ عارف کیان پور ۷۱ ـ کتان گوران ۷۲ ـ مناف گجنی ۷۳ ـ حبیب‌اله گویلی ۷۴ ـ عباس گویلی ۷۵ـ فریده گویلی ۷۶ ـ ابراهیم گومانی ۷۷ ـ ساندرا محمدپناه ۷۸ ـ اسماعیل محمدی ۷۹ ـ دلبر محمدی ۸۰ ـ هادی محمدی ۸۱ ـ طوبی مرادبیگی ۸۲ ـ نبی محمدی ۸۳ ـ گلاویژ محمودزاده ۸۴ ـ زینب محمد زاده ۸۵ ـ گوهر محمدزاده ۸۶ ـ حسن مروارید ۸۷ ـ صابر ملازاده (بوکان) ۸۸ ـ علی محمودی (خواشت) ۸۹ ـ اسمر محمدی ۹۰ ـ محمدامین ملازادگان ۹۱ ـ هاشم محمدیان (کهله‌که‌جار) ۹۲ـ محمد محمدی (آخکند) ۹۳ ـ فروغ مسعودی ۹۴ ـ زهرا مسعودی ۹۵ ـ گلستان مردانی ۹۶ ـ عثمان مولودی (تازه آوا) ۹۷ ـ رحیم ملکی (بنگی) ۹۸ ـ شه وبو نادری ۹۹ ـ ناهید نبوی ۱۰۰ ـ بهروز ناصری ۱۰۱ ـ ناصر نسیمی ۱۰۲ ـ فریده نصری (ویسه ر) ۱۰۳ ـ حسن نقشبندی ۱۰۴ ـ احمد نیکجو ۱۰۵ ـ اقبال نظر گاهی ۱۰۶ ـ عزیزه وطندوست ۱۰۷ ـ پری ولی‌زاده ۱۰۸ ـ زهرا هادی ۱۰۹ ـابوبکر فتحی ۱۱۰ ـ رابعه عباسیان ۱۱۱ ـ علی زمانی ۱۱۱ ـ ابوبکر فتحی ۱۱۲ ـ آرام سنه ۱۱۳ ـ فاروق بلوری ۱۱۴ ـ سیامک حاتمی (قلخانی) ۱۱۵ ـ عایشه شاداب ۱۱۶ ـ سلمه کهنه پوشی ۱۱۷ـ عطیفه مازوجی ۱۱۸ ـ نبی زندی ۱۱۹ـ هوشنگ کهربایی

☐ رفقایی که مایلند امضایشان را پای این اطلاعیه بگذارند، می‌توانند آنرا برای ناصر طاهری از طریق پست الکترونیکی زیر ارسال نمایند تا نامشان در پای اطلاعیه قید گردد. fayegh@yahoo.com شماره تلفن تماس ۷۰ ۳۵ ۸۳۱ -۷۰(۰)-۴۶+

ضمیمهٔ اطلاعیه جمعی از فعالین واعضای سابق کومه‌له و حزب کمونیست ایران

در ادامهٔ حرکت جمعی از فعالین و اعضای سابق کومه‌له و در جهت تامین خواستهای این اطلاعیه و تقویت عملی این جریان امضاکنندگان زیر آمادگی خود را برای پیوستن به صفوف حزب کمونیست ایران و کومه‌له اعلام نموده و تقاضای عضویت خود را به تشکیلات اعلام می‌دارند.

۱ ـ محمد آسایش ۲ ـ سلیمان امین‌زاده ۳ ـ شهلا امینی ۴ ـ عیسی جمشیدی ۵ ـ علی حق‌بیان ۶ ـ سید کامل حسینی ۷ ـ اقبال خاتمی ۸ ـ شمسی خرمی ۹ـ جلال خورخوره ۱۰ ـ زاهد داربیگی ۱۱ ـ زبیده ذبیحی ۱۲ ـ سید خالد رحمتی ۱۳ ـ اکبر رحیمی ۱۴ ـ علی رموزی ۱۵ ـ مهدی رستمی (خورمهر) ۱۶ ـ حسین زارعی ۱۷ ـ حبیب‌اله سلطانی ۱۸ ـ اسعد سلیمی ۱۹ ـ صالح صالح‌پور (کوله سه) ۲۰ ـ ناصر طاهری ۲۱ ـ مسعود عظیمی ۲۲ ـ صابر ملازاده (بوکان) ۲۳ ـ محمد محمدی (آخکند) ۲۴ـ مریم عزیزیان ۲۵ ـ یحیی عبدی پناه (اویهنگ) ۲۶ ـ فرشید غفارنژاد ۲۷ ـ رضا فیض‌الله بیگی ۲۸ ـ اسماعیل قهرمانی ۲۹ ـ حسن کاکوندی ۳۰ ـ ابراهیم کریم‌پور ۳۱ ـ طوبی کمانگر ۳۲ ـ امیر کلاه قوچی ۳۳ ـ اختر کمانگر ۳۴ ـ مناف گجنی ۳۵ ـ حبیب‌الله گویلی ۳۶ ـ عباس گویلی ۳۷ ـ کاوه رحیمی ۳۸ ـ زهرا مسعودی ۳۹ ـ رحیم ملکی (بنگی) ۴۰ ـ ساندرا محمدپناه ۴۱ ـ علی محمودی (خواشت) ۴۲ ـ بهروز ناصری ۴۳ ـ ناصر نسیمی ۴۴ ـ احمد نیکجو ۴۵ ـ سیامک حاتمی

رفقایی که مایلند همگام با ما به صفوف تشکیلات پیوسته و تقاضای عضویت نمایند و نامشان در این لیست گنجانده شود، می‌توانند آنرا برای ناصر طاهری از طریق پست الکترونیکی زیر ارسال نمایند fayegh@yahoo.com شماره تلفن تماس ۷۰ ۳۵ ۸۳۱ -۷۰(۰)-۴۶+

بیانیه کمیته مرکزی کومه‌له
در پاسخ به اطلاعیه‌جمعی از کادرها، فعالین و اعضای سابق حزب کمونیست ایران

رفقا! اقدام اخیر شما در اعلام همبستگی سیاسی و یا پیوستن مجددتان به صفوف کومه‌له و حزب کمونیست ایران، حرکت ارزشمندی است که با استقبال گرم همرزمان و همسنگران شما در همه جا روبرو شده است. جنبش انقلابی وکارگری امروز بیش از هر زمان دیگری به وجود شما رفقایی که از دل مبارزه زنده دوده اخیر در ایران و در کردستان بیرون آمده اید احتیاج دارد و شما با این حرکت خود به این نیاز پاسخ مثبت داده اید.

رفقا! جریان ما بویژه در طول ۲۳ ساله اخیر حیات خود همواره بر سه پایه اصلی استوار بوده است:

اول: خط مشی سیاسی، اصولی و انقلابی، وفاداری به آرمانهای کمونیستی، با هر درکی که در هر مقطعی از آن وجود داشته است. اما دیدگاه های سیاسی ما مدام در حال تکامل بوده‌اند. درک امروز ما از بسیاری مسائل با آنچه در گذشته وجود داشت متفاوت است. تصویر ما از کاری که می‌کنیم و از وظایفی که در پیشارویمان قرار دارند بسیار شفافتر از گذشته است. پویائی سیاسی و تعلق طبقاتی از خصلت های جدایی ناپذیر جریان ما بوده‌اند و باید تاریخچه فعالیت های گذشته ما را اساسا با همین معیارها سنجید.

دوم: پشتیبانی توده‌ای، منافعی جدا از منافع مردم کارگر و زحمتکش برای خود نشناختن، پاسخگویی به ضرورت های جنبش‌های اجتماعی در هر مقطع، که در بیانیه شما نیز به آن اشاره شده است. اگر امروز شرایط سرکوب و حاکمیت دیکتاتوری اسلامی مجال آن را نمی‌دهد حمایت توده‌ای از جریان ما هر روز بطور علنی ابراز شود، تردیدی نیست که با وزیدن نخستین نسیم آزادی واقعی، این جریان ظرفیت بسیار بالایی در جلب پشتیبانی مستقیم توده‌ها از خود نشان خواهد داد. موقعیت امروز ما را از لحاظ روشنی دیدگاه ها و افق سیاسی، از لحاظ پیشینه مبارزاتی، از لحاظ شمار کادرها و فعالین این جریان با ۲۳ سال قبل مقایسه کنید و به آن دو فاکتور دیگر یعنی شرایط انقلابی و جامعه تغییر یافته و خودآگاهی جنبش توده‌ای و طبقاتی را اضافه کنید، خواهید دید که چه پتانسیل عظیمی در وجود این جریان نهفته است. وظیفه همه ما این است که آن را به نفع تغییر توازن قوای سیاسی و طبقاتی و به نفع طبقه کارگر و آرمانهای رهائی‌بخش، انسانی و سوسیالیستی بکار گیریم.

سوم: وجود رزمندگانی پاک باخته، ثابت قدم و با نفوذ در میان توده‌ها، موقعیتی که به یمن تعلق طبقاتی به کارگران و مبارزه صادقانه بدست آورده اند. اگر چه با دو انشعابی که اتفاق افتاد و در فراز و نشیب‌های طبیعی جنبش ما، متاسفانه بخشی از این سرمایه انسانی عملا از کف رفت، اما مسلما جریان سرسبز زندگی و مبارزه انقلابی ما را در پر کردن شکافهای ایجاد شده یاری خواهد کرد. و اعلام همبستگی شما بخشی از این جریان است.

رفقا، در بیانیه تان به انتقادها و کمبودها در کومه‌له و حزب کمونیست ایران اشاره کرده‌اید. این بدون شک یک ارزیابی واقعی و ما به سهم خود آن راتائیدمی‌کنیم. در همین رابطه توجه تان را به دو نکته اساسی جلب می‌کنیم.

اول اینکه، جریان ما حداقل طی ۲۳ سال اخیر بخشی جدایی ناپذیر از یک حرکت و مقاومت توده‌ای در اشکال مختلف بوده است. جدایی‌ها، انتقادات و کمبودهای ما انعکاس جریان اجتماعی و منافع طبقاتی واقعی در این جامعه است. به همین دلیل وجود آنها اگر چه نامطلوب اما تا حدی غیر قابل اجتناب و طبیعی بوده اند. تا آنجا که به انتقادات و کمبودها مربوط می‌شود، کوشیده ایم که آنها را نبردکنان اصلاح کنیم و از این پس نیز ادامه همین سنت است که ما را به جلو خواهد برد. و شما را نیز به حرکت در همین جهت فرا می خوانیم.

دوم، در کنگره نهم کومه‌له سیاست رسمی ما که روش کار در چهار چوب حزب کمونیست ایران نیز هست، در این زمینه مورد تاکید مجدد قرار گرفته است. در آنجا گفته‌ایم: نظرات و دیدگاه های سیاسی رفقای حزبی بدون هیچ محدودیت و قید و شرطی مجال انتشار درونی و بیرونی پیدا خواهند کرد. مکانیسم‌هایی که بصورتی جاافتاده درآمده‌اند و عمل می‌کنند. بنابراین کومه‌له و حزب کمونیست ایران در عین حال تریبون مناسبی در اختیارآن‌دسته از رفقایی قرار خواهند داد که خواهان طرح و پیگیری کمبودهای مورد نظر و انتقادات مشخص خود هستند.

رفقا! اگر چه شما همانطور که اشاره کرده اید مدتی از فعالیت های منظم تشکیلاتی بدور بوده اید، اما بی تردید از جمله صاحبان واقعی جریان ما بوده و هستید. موضع‌گیری اخیر شما جنبش ما را از لحاظ کادر و افراد با نفوذ و با تجربه که از ارکان اصلی این جریان است تقویت خواهد کرد. این حرکت شما به همه ما دلگرمی بیشتری خواهد بخشید و ما را کمک خواهد کرد تا در راه تحقق آرمانها و اهداف مشترک مان قدمهای محکم تری برداریم.

به همین خاطر، دست اعلام همکاری و همبستگی سیاسی شما را از صمیم قلب و به گرمی می فشاریم.

کمیته مرکزی کومه‌له

گوشه‌هایی از مبارزات کارگران در سراسر جهان

(نیمهٔ دوم مارس)

ترجمه و تنظیم: حسین دباغیان

اندونزی: اعتراض علیه اذیت و آزار کارگران

بیش از ۲۵۰ نفر از کارگران کارخانهٔ "پی‌تی ساندانگ ایندو پراتاما"، در مقابل ساختمانهای اداری آژانس نیروی کار شهرداری "جاکارتا"، دست به تجمع و راهپیمایی اعتراض‌آمیز زدند. کارگران خشمگین خواهان اخراج یکی از سرکارگران بخش تولیدی این کارخانه به نام "زکریا" بودند.

کارگران پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آنها شعارهایی مانند: «زکریا را بیرون کنید، همهٔ کارگران از او متنفرند»، نوشته شده بود. یکی از کارگران زن اظهار می داشت که "زکریا" بارها به کارگران توهین نموده و به اذیت و آزار آنها پرداخته است؛ اما در مقابل، مدیریت کارخانه هیچگونه اعتنایی به اعتراض کارگران در این مورد ننموده است. یکی از فعالین اتحادیهٔ کارگران به نام "گاتوت سوباگیو"، اظهار نمود که سرکارگر مذکور مدتی قبل به منظور خفه کردن صدای اعتراض کارگران، عده‌ای از گردن کلفتها و آدمکشان محلی را اجیر کرده بود تا در هنگام راهپیمایی کارگران، به برهم زدن اعتراض آنان بپردازند.

فیجی: اخراج کارگران به بهانهٔ پیوستن آنها به اتحادیهٔ کارگری

۵۰ نفر از کارگران کارخانهٔ باطری‌سازی "پاسیفیک" در منطقهٔ "وایلادا"، در اعتراض به اخراج ۴ تن از همکاران خود دست از کار کشیدند. ۴ کارگر مذکور درست یک روز بعد از پیوستن به اتحادیهٔ کارگری، توسط مدیریت کارخانه اخراج گردیدند. "محمد بوکش"، سخنگوی کارگران معترض، به مطبوعات اظهار داشت: ⇦

«ما روز سه شنبه دوازدهم مارس به اتحادیه ملحق شدیم و از طرف دبیرکل اتحادیه نامه ای برای مدیریت کارخانه ارسال گردید. روز چهارشنبه، یعنی یک روز بعد، حکم اخراج چهار نفر از همکارانمان به عنوان عکس‌العمل مسئولین کارخانه در مقابل پیوستن ما به اتحادیه صادر گردید.»

کارگران بر این باورند که دلیل اخراج چهار کارگر مذکور، تلاش آنها به منظور پیوستن سایر کارگران به "اتحادیهٔ ملی کارگران کارخانه ها و بخش بازرگانی" بوده است. در حال حاضر، مدیریت تهدید کرده است که همهٔ کارگران را اخراج خواهد نمود! اتحادیهٔ کارگران در تلاش است تا به نحوی از اخراج کارگران این کارخانه جلوگیری بعمل آورد.

هنک کنگ: اعتراض علیه اخراج کارگران

کارگران شرکت ارتباطاتی "پاسیفیک سنچری سایبرورکس"، تصمیم گرفته‌اند که در اعتراض به اخراج ۸۵۸ نفر از کارگران این شرکت دست به تحریم انجام هرگونه اضافه کاری در این شرکت بزنند. کارگران اخراج شده در راستای سیاستهای مدیریت شرکت برای کاهش هزینه‌ها، به این سرنوشت دچار گشته‌اند. اخراج این تعداد از کارگران، به معنای کاهش حدود ۳۳ میلیون دلار آمریکایی از مخارج سالانهٔ این شرکت هنک‌کنگی خواهد بود.

سال قبل نیز، بیش از ۹۵۰ نفر از کارگران و کارکنان این شرکت بزرگ اخراج شدند، بطوری که مدیریت شرکت تعداد کارگران را به ۱۳۵۰۰ نفر رساند. صاحب نظران اظهار می‌دارند که این شرکت مجبور است تعداد کارگران خود را به ۸۵۰۰ نفر کاهش دهد، و این بمعنای اخراج تعداد بیشتری از کارگران خواهد بود.

سری‌لانکا: اعتراض علیه تعطیل نمودن کارخانه

بیش از ۷۵۰ نفر از کارگران کارخانهٔ کفش "بتا شوز" در "راتمالانا" واقع در ۱۵ کیلومتری جنوب کولومبو، در اعتراض به راه‌ندادن کارگران به کارخانه و بستن درهای آن در تاریخ

صفحه ۷

تأملی بر جنبش زنان!

۲- آن نیمهٔ پنهان در ایران

ناصر امین نژاد

- نگاهی به گذشته

زنان در عرصهٔ سیاسی - اجتماعی جامعهٔ ایران تا قریب یکصد سال گذشته در ظلمت و تاریکی مطلق میزیستند. از دید فرهنگ عمومی و مسلط آنروزگاران آنان موجوداتی مهجور و ضعیفه‌هائی ناقص الخلقه بودند که فقط مسئولیت زایش، و نیایش به درگاه ولی نعمتان خود را بردوش دارند. بردگان بی جیره و مواجبی که تنها به درد حرم، پستوهای مطبخ، شخم و خانه داری میخورند!. این حاصل و تراوش فرهنگ جامعهٔ مردسالار آنزمان بود که با جهالت مذهبی، آنهم از خشکیده ترین و تکیده ترین چهره‌های آن در عالم زندگی اجتماعی اشباع شده بود، از قبل آن جامعه‌ای داشتیم؛ عقب مانده، فلاکت زده و سیه روز که تا به امروز سایهٔ مرگبار آن بکلی زدوده نشده است.

درآخرین سالهای پیش از انقلاب مشروطیت و اولین سالهای پس ازآن، آنزمانی که جامعهٔ ایران رخوت بیش از این را برنمی‌تافت و خیال برخاستن از خواب مردگی چندین ده ساله را در سر میپروراند، جرقه هائی از زایشی نوین بوقوع پیوست. این همزمان بود با فعل و انفعالات اجتماعی گسترده‌ای که در بخشهای وسیعی از دنیای دور دست عموماً، و در سرزمینهای همجوار خصوصاً در جریان بود. نظام سرمایه‌داری پا به عرصهٔ وجود نهاده بود و دنیای اطراف خود را برای چنگ زدن به مواد خام و ثروت زیرزمینی انبوهتر می پائید، عرصه‌های جدید از مبارزه برای تنازع بقا، آنهم در شکل و شمایل سرمایه‌داری بوجود آمده بود. پایه های پوسیده فئودالی درحال زوال و اضمحلال بودند. تنشهای اجتماعی در اشکال دیگر باز تولید شده بود، طبقهٔ جدیدی با ابهت و توانمندی فزاینده‌ای پای بدوران مبارزاتی نوین گذاشته بود، انقلاب ۱۹۰۵ و خیزشهای متوالی در روسیه سیستم تزاریسم را به چالش طلبیده بود و داشت پایه های نظام صد سالهٔ تزاری را از هم میگسلاند.

اینها همه در کنار عوامل داخلی از جمله استبداد بیحد و حصر دستگاه گندیده پادشاهی قاجار، فساد و غارتگری و توحش بینهایت تیولداران ... جامعه را بسوی ایجاد تغییرات و دگرگون ساختن نظم موجود سوق میداد. جان جامعه به لب رسیده بود و تغیر بنیادی را طلب میکرد. انقلاب مشروطیت نقطهٔ عزیمتی بود بسوی جامعه‌ای متعادل، برای کسب آزادیهای مدنی و بنیادی کردن دخالت مردم در سرنوشت خود. این خود تاریخاً نقطهٔ تعالی و پیشرفتی بود در حیات سیاسی اجتماعی جامعهٔ ایران.

انقلاب مشروطیت و دگرگونیهای آندوران و سالهای بعد از آن - باوجود مثله شدن این انقلاب- خود سرآغازی بود برای ابراز وجود زنان و پیدایش نمادها و جرقه هائی برای دخالتگری عنصر زن در فعالیتهای اجتماعی که در جامعه درجریان بود. تلاطمات و تحرکات اجتماعی آندوران اندک اندک بستری را برای به میدان آمدن و دخالت زنان در کشمکشهای اجتماعی گشود. زنان برای اولین بار در بطن کانونهای گرم انقلاب آنزمان بویژه در تهران، تبریز و صفحات شمال قرار گرفتند و توانستند نمایش نسبتاً چشمگیری را از حضور خود بروز دهند.

شرکت زنان در مبارزات ضد استعماری و تجددخواهانهٔ مشروطیت باوجود کاستیها و محدودیتهای بیشمار و علیرغم اینکه با مطالبات مشخص مسئلهٔ زنان به میدان نیامده بودند، اما باز خود معرف سربرآوردن زنان و حضور آنان در جامعه شد، و قابل توجه اینکه تاریخ پیدایش اولین نشانه های تشکل یابی جنبش زنان نیز به این دوران برمیگردد.

درهمین سالها که اندک نسیمی از آزادی، غبارها را از چهره ها رمانده بود و روزنه‌ای به دیار دیگراندیشی گشوده شده بود، فرصت و فضائی هم فراهم آمد که زنان نیز به اندیشهٔ تشکل و نشان دادن هویت خود برآیند. به همین ترتیب بود که نطفه هائی از اولین انجمنهای زنان شکل گرفت و نخستین جراید مانند "دانش"، "شکوفه"، "زبان زنان"، "پیک سعادت نسوان"، "بیداری ما" و "نامهٔ بانوان" به همت همین اولین دسته های زنان روشنفکر وآزادیخواه در مقاطع مختلف سالهای بعد از مشروطیت و سالهای زمامداری پهلوی ره به جامعه گشودند. تم اصلی این جراید را موضوعاتی همچون مبارزه با گرانی، قحطی و اعتراض به وضعیت بد زنان در امور آموزش، بهداشت و بیسوادی و ... بود. زنان بیدار آنزمان در مقالات مختلف از «زحمات فوق الطاقه و تکالیف شاقهٔ» زنان صحبت میکردند و بخشی از رنج و مرارت طاقت فرسای زنان را بزبان میآوردند. باز به همت همین زنان پیشرو و اولین پیشگامان زنان مبارز بود که نخستین کلاسهای درس و مدارس دخترانه شکل گرفت.

این اقدامات اولیه اگرچه از دید امروز ممکن است بسیار اندک، جزئی و چه بسا کم اهمیت تلقی شود، اما آنرا باید به نسبت فضای قبرستانی آندوران و عقب ماندگی مفرط جامعه و هار بودن زاید الوصف جهالت مذهبی آنزمان سنجید و محک زد. اینان میبایست در شرایط بسیار نابرابر اجتماعی و سیاسی و در میان انبوه سنگ اندازیها، ستمها، تبعیض و تحقیرها به جنگ تابوهای سنتی و مذهبی جامعه میرفتند و رنج بینهایت را تحمل نمایند.

اینان در اولین قدمها همانطور که انتظار میرفت و میبایست چنین باشد با ارتجاع هار مذهبی روبرو شدند. بر بلندای خرافه و جهل مذهبی نقاره تکفیر و ارتداد را برای خاموش کردن این اخگران روشنائی بکار گرفتند. آیت الله نوری، عملهٔ استبداد قاجار، علمدار و سخنگوی این یورش و هوچیگری تاریخی بود. او

⇦

تأملی بر جنبش زنان!

اعلام کرده بود: «مدارس تربیت نسوان و دبستان دوشیزگان بمانند اباحهٔ مسکرات و اشاعهٔ فاحشه‌خانه هاست» او و حجره نشینانش در تکاپوی مردارخوارانه تمامی جهل جامعه را علیه این خود آگاهی درونی بسیج نمودند و از هیچ تلاشی برای بازگردانیدن آب رفته به جوی فروگذار نکردند.

در این میان سیاست «کشف حجاب» رضاخان، بتقلید از آتاتورک و پائین کشانیدن چادر و روسری به زور چماق و سرنیزه، اقدامی بازدارنده و روندی انحرافی و سیاستی کذائی و بی پایه بود در مسیر رشد و تکامل جنبش مادی و واقعی زنان. این اقدام تصادفاً عکس العمل منفی و عمومی جامعه را که خود ناشی از تنفر مردم نسبت به حکومت استبدادی رضاخان بود، برانگیخت. این روش زورگویانه خود به سنگ بزرگی لای چرخ خودآگاهی و رشد طبیعی جنبش زنان تبدیل شد.

بهرحال در این چهار دههٔ پر تلاطم، چهره اجتماعی ایران دستخوش تغییراتی برگشت ناپذیر گردید. طی این دوران همراه با بسته شدن نطفه‌های نظام سرمایه‌داری و ضربه خوردن مناسبات فئودالی، موجی از روشنفکری وترقیخواهی نوین فضای ایران را فراگرفت. این موج و بارور شدن آن خود ثمره تلاشهای بی وقفهٔ چندین دهه فعالیت نسل نخستین روشنگران این جامعه است.

بدون شک تحولات شگرف و بزرگ دنیای بیرون نیز در پروراندن و شکل گرفتن این موج بزرگ تاثیر بسزائی داشته اند. خصوصاً وقوع انقلاب اکتبر و فروپاشی نظام پوسیده تزاری و فراگیر شدن اندیشه‌های پیشرونده بلشویکی در منطقه و همسایهٔ دیوار به دیوارش ایران، در خلق این روند مبارزه جوئی و تکان دادن جامعه بسوی ایجاد تحولات مستقیماً تأثیرگذار بود. در این میان نقش نسل اولیهٔ سوسیالیستهای ایران، که خود از فعالین مبارزات اجتماعی و پیشگامان دانش و روشنگری و فرهنگی این دوران بوده‌اند را نمیتوان از نظر دور داشت.

اینان برای اولین بار مسئلهٔ زنان را بعنوان بخشی بسیار مهم از مسائل گرهی و حاد جامعه از حاشیه به متن بحثهای سیاسی اجتماعی روز آوردند. اولین مراسم ۸مارس به همت اینان برگزارگردید و اولین جمعیت «پیک سعادت نسوان» و جریده «پیک سعادت» در سال۱۳۰۱ ثمره زحمات اینان بود.

همچنین بخش بزرگی از این موج روشنگری و ترقیخواهی و مبارزه با جهل و خرافهٔ مذهبی- که نقش اصلی را در اشاعهٔ تبعیض جنسی ایفاء میکند- مرهون زحمات نسل اولیهٔ روشنگران و نویسندگان آزاد اندیش این جامعه است. نواندیشانی همچون «زین العابدین مراغه ای»، «میرزا فتحعلی آخوندزاده» و نسل متأخر آنها همچون «جمالزاده»، «فرخی یزدی»، «کسروی» ، «عارف قزوینی»، «میرزاده عشقی»، «ایرج میرزا»، «هدایت» و «چوبک» و... در این خصوص بسیار زحمت کشیدند، پنجه در پنجهٔ تباهی انداختند و با زبان نافذ و قوی و هزال خود نقاب ریاکاران و ظاهرسازان را می دریدند. اینان توانستند درطول حیات ارزشمند خود در آن دوران گذار و حیاتی مجموعهٔ درخشان و ماندگاری را در مبارزه با جهل و سنت گرائی و هجو خرافات مذهبی بجای بگذارند. زنان را به ایفاء نقش اجتماعی و فرهنگی تشویق کنند و دکان و بساط گندم نمایان جو فروش را بهم بریزند.

به این ترتیب زنان در آن مرحلهٔ تاریخی که صحبتش رفت بهیچ وجه تنها نبوده اند و از پشتیبانی فکری، سیاسی و عملی بخش وسیعی از روشنفکران، مبارزان و پیشروان این جامعه برخوردار بوده‌اند. با اینهمه هنوز میبایست در میدان بسیار نابرابرانه ای مطالبات خود را به پیش ببرند.

بعد از اضمحلال حکومت رضاشاه و گشوده شدن درهای زندان و گسستن چفت و بستهای استبداد پهلوی فرصت مناسبی برای شرکت فعالانهٔ جمعیت کشور، از جمله زنان، در فعالیتهای سیاسی اجتماعی و فرهنگی بوجود آمد. تشکلهای سیاسی متعدد سر برآوردند، اتحادیه های کارگری و دهقانی بوجود آمدند و جامعهٔ مطبوعاتی توانستند فارغ از سانسور دور تازه ای از فعالیت روزنامه نگاری را آغاز نمایند و حکومتهای خودمختار در کردستان و آذربایجان سربرآوردند.

در این سالها حضور زنان در عرصه های متفاوت و پیشرفتهای نسبی آنان در میدانهای دانش و فن آوری و کشانده شدن بخش وسیعی از آنان به کار در عرصه های اقتصادی و خدماتی مهر برگشت ناپذیری حضور زنان در اجتماع و امورات قبلاً ممنوعه را بر پیشانی جامعه زد. بسیاری از تابوهای سنتی، ارتجاعی و عقب مانده، بدون اینکه دنیائی هم به آخر رسیده باشد شکسته شد. اکنون کار زنان در جامعه دیگر آنچنان غیر عادی بچشم نمیرسید. اینها، همه قبل از هر چیز به همت خود زنان و حضور و مقاومتشان و با پشتیبانی نیروهای روشنفکر و ترقیخواه جامعه میسر گشت. اگرچه هنوز راه دشواری در پیش بود و مخاطرات بسیاری را میبایست پشت سر نهاد، اما باز هم اولین ثمره های مقاومت به گل نشسته بود و پیروزیهائی بدست آمده بود که پیش از این تصور آن غیر ممکن بود.

حکومت دوم پهلوی که بیش از این تاب جامعه‌ای نسبتا آزاد را نمیتوانست بیاورد، و آزادی بیان و اندیشه را برنمی تافت، همچون سلفان خود به سرنیزه و کانونهای انگلی و ارتجاعی مذهبی پناه آورد. با همیاری و به کمک شمشیر دولبه ای از «زاهدی ـ کاشانی» و « باطمانقلیچ-فلسفی» کودتائی خونین سازمان داده شد. دیگربار اعدام و شکنجه و داغ و درفش آغاز و تشکلهای سیاسی و مردمی ممنوع و در روزنامه‌های غیر خودی بسته شدند، تا بانگ عدالت طلبی و آزادی را مجالی برای ابراز نباشد. طبیعتاً جنبش انقلابی زنان نیز از این یورش همه جانبه در امان نماند و در این میدان مبارزه و مقاومت ضربات سنگینی را متحمل شد.

حاکمان مستبد از این حکومت وحشت نیز طرفی نبستند و نتوانستند از این روزگاران تنگ و تار امید به رهائی و بهروزی را بخشکانند. جوشش و غلیان از روزنه هائی دیگر سر برآورد، سیستم نامتعادل حکومتی خود در چنگ تضاد دوگانه‌ای گرفتار آمده بود. کشمکشهای هرم قدرت در طول یک دهه، خود بازتابی از منازعات درونی دو سیستم نیمه فئودالی ـ نیمه سرمایه داری بود که اقتصاد و ثروت عمومی جامعه را در انحصار داشتند. تا اینکه سرمایهٔ جهانی از آستین «بانگ جهانی» گسستن از آخرین حلقه‌های فئودالی را به دربار شاه دیکته کرد.

در این دوران فارغ از هر پیامد اقتصادی، فرصتهای برای حضور زنان در جامعه گشوده شد و علیرغم تلاشهای ارتجاع مذهبی و شبکه های تنیده شده حوزوی در جلوگیری از فعالیتهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان، خیل میلیونی زنان وارد بازار کار و عرصه های فرهنگی و اجتماعی شدند. زنان توانستند باوجود همهٔ محدودیتها، فشارها و تضییقات و تبعیضات انبوه، بخشی از توانمندیهای خود را بویژه در زمینه های فرهنگی_ اجتماعی بکار بگیرند. همین دیکتاتوری نوپای سرمایه داری، از آنجائی که فعالیتهای سیاسی را تنها در دایره خود و دسته های کارتونی حکومتی و مجلسهای نمایشی "بله قربان گو" میپذیرفت، هر ندای عدالتخواهانه با سرکوب و وحشیگری پاسخ میگرفت و هر حرکت سازمان یافته، آزادی طلبانه و مترقی بشدت سرکوب میشدند. پر واضح است که در این فضای خفقان آلود همچنان فعالیتهای سیاسی برای اکثریت جامعه و بالطبع زنان در راه رفع تبعیض، استثمار و ستمگری منطقهٔ ممنوعه بود. از طرفی هم کانونها و سازمانها و احزاب کارتونی را اجیر کرده بودند تا در اوج انزوا و نفرت عمومی به رنگ و لعاب چفت و بستهای زوار دررفتهٔ دولتی بپردازند.

در این میان سازمانهای فرمایشی و حکومت ساختهٔ زنان علیرغم تلاشهای فریبکارانه و دروغین هرگز نتوانستند بغیر از دسته‌هائی از زنان مرفه و وابستگان حکومتی، بخشی حتی کوچک از این جمعیت میلیونی را به دام سیاستهای شیادانهٔ حکومت بکشانند. جنبش واقعی زنان همچنان در دل جامعه و در بطن مبارزات ستمدیدگان و اقشار و لایه

⇦

⇨ های رنجدیده در راه رهائی از ستم و استثمار و تبعیض و کسب آزادی مسیر پرفراز و نشیب مبارزه و مقاومت را پی گرفت.

از ویژگیهای بارز این دوران همان قطبی شدن جنبش زنان و آشکار شده تفاوتها در نگرشها، خواستها، انگیزه ها و مطالبات خود جنبش بود، که از تفاوتهای طبقاتی و اجتماعی نشأت میگرفت. بخش ناچیزی از زنان ـ از طبقات مرفه و بلند پایگان دولتی در کنار بورژوازی حاکم و در تائید سیاستهای سرکوبگرانهٔ رژیم ساز خود را میزد و اکثریت قریب به اتفاق زنان ـ زنان کارگر و لایه های زحمتکش و روشنفکر ـ با حضور فعال و مؤثر خود، با اعتراضات و اعتصابات مداوم خود، با طرح مطالبات سیاسی اجتماعی خود، نشاط و توان تازه ای به جنبش عدالتخواهانهٔ جامعه علیه دیکتاتوری پادشاهی بخشیدند.

وجود گسترده زنان و فعالیتهای آنان در گروهها و سازمانهای انقلابی و کمونیستی و سازمانهای پیشرو دانشجوئی، فعالیتهای نظامی، دخالت وسیع در سازماندهی اعتراضات و تظاهرات و فعالیتهای روزمره علیه ستم و تبعیض و بی عدالتی، شرکت همه جانبه و قدرتمندانه در روند سرنگون ساختن رژیم پهلوی، تأکید مجددی بود بر این واقعیت که این جنبش از آنچنان توان و پتانسیل انقلابی و دموکراتیکی برخوردار است که میتواند و باید همچون بازوی پر قدرت جنبش عمومی و عدالتخواهانهٔ جامعه عمل کند. پیروزی انقلاب ۲۲بهمن پیوند ناگسستنی و سرشتی این حلقه های جنبش را نشان داد.

ادامه دارد

از صفحه ۵

گوشه‌هایی از مبارزات کارگران در سراسر جهان

۱۸ مارس، دست به برگزاری پیکت اعتراضی زده‌اند. مسئولین کارخانه، بدنبال مطالبهٔ دستمزد بیشتر از جانب کارگران، تقاضای آنان را رد کرده و کارخانه را تعطیل نمود. کارگران بر این باورند که راه ندادن کارگران به کارخانه بهانه‌ایست برای تعطیل نمودن دائمی کارخانهٔ مذکور، تا از این طریق صاحبکاران طماع بتوانند از یکی از شعبات فرعی آن در چین محموله‌های کفش را بصورت وارداتی به سری لانکا منتقل نماید و سود بیشتری را متوجه خود سازند.

کرهٔ جنوبی: اخراج دسته جمعی کارگران

کمپانی "کوریا الکتریک پاور کورپ" که یک کمپانی دولتی و تولیدکننده برق حرارتی می باشد، ۱۵۰ نفر دیگر از کارگران را اخراج نمود و همزمان تهدید کرد که اگر کارگران به اعتصاب خویش پایان ندهند و تا روز سوم آوریل بسر کار برنگردند، همهٔ ۴۰۰۰ کارگر اعتصاب کننده را اخراج خواهد نمود. کارگران خشمگین این کمپانی از روز ۲۵ فوریه و علیه نقشه‌های دولت بمنظور واگذاری کامل کل تاسیسات این کمپانی یعنی پنج تولیدکننده برق حرارتی آن به بخش خصوصی، دست به اعتصاب زده‌اند. کارگران، هفتهٔ قبل نیز اولتیماتوم کمپانی برای بازگشت بسر کار را رد نمودند. تاکنون ۳۴۲ نفر از کارگران اعتصاب کننده را که عموما از نمایندگان اتحادیه و از رهبران اعتصاب بودند، اخراج نموده است.

روز ۲۴ مارس، تعداد زیادی از این کارگران در دانشگاه سئول دست به تحصن زدند. دولت بمنظور ترساندن کارگران اعتصاب کننده، تصمیم گرفت تحصن مذکور را به آشوب بکشاند و به این منظور، بیش از ۲۰۰۰ پلیس ضد شورش را به محل تحصن منتقل کرده و در جریان زد و خورد شدیدی بیش از ۳۰۰ نفر از متحصنین را دستگیر نمود.

اندونزی: اعتراض کارگران برسر افزایش دستمزدها

بیش از ۸۰۰ نفر از کارگران کمپانی "پی‌تی پرکبونان ناسیونال"، که یک کمپانی کشت تنباکو و واقع در «مدان» است، روز بیستم مارس با برگزاری راهپیمایی اعتراضی خواهان افزایش دستمزدها شدند. کمپانی مذکور، دارای بیش از ۲۱۰۰۰ کارگر می‌باشد که در مزارع مختلف در "مدان"، "لنگکات" و "دلی سردانگ" به کشت تنباکو مشغولند. این کارگران دستمزدی معادل تنها ۲۶ دلار در ماه دریافت می‌دارند که حتی بسیار پایین‌تر از حداقل دستمزد تعیین شده توسط مقامات محلی است. یکی از سخنگویان اتحادیهٔ کارگران مذکور اظهار داشت که طی دو سال گذشته، مسولین کمپانی هرگونه درخواست کارگران مبنی بر افزایش دستمزدها را رد کرده‌اند.

از صفحه ۸

خاورمیانه در آستانه یک فاجعه عظیم!

⇨ قبول و در نهایت تحمل همدیگر ندارند.

آیا این حقیقت را دولتمردان اسرائیلی و رهبران فلسطینی نمی دانند؟ از نظرمن پاسخ مثبت است. اما پس چرا آنها و حامیانشان به این بازی جنایتکارانه و مرگبار ادامه می‌دهند؟ پاسخ میتواند این باشد که آنچه آنان در پی آن هستند نه خواست و اراده توده‌های مردم ساکن این دو کشور، بلکه کسب حداکثر امتیاز و بدست آوردن هر اندازه موفقیت برتر در هرم قدرت جهانی در شرایط کنونی است. در اینجا جای پای آمریکا و دولتمردان آن بوضوح پیداست.

اقدامات تروریستی ۱۱ سپتامبر ارمغانی غیبی برای بوش و آمریکا بود. بدون آن بستن اسلحه جنایت و سرکوب از رو، برایشان به آسانی ممکن نبود. بدون آن اعزام نیروهای تادندان مسلح به منطقه آسیا و اقدام به ایجاد پایگاههای دائمی در بیخ گوش روسیه عملی آسان نبود.

ترور ۱۱ سپتامبر زمینه مساعدی برای بوش و آمریکا فراهم آورد تا با خطرناک خواندن مجدد عراق و کشورهایی دیگر، از یکسو دولتهای عربی منطقه را به دادن باجهای مالی و سیاسی وادار کنند. و از سوی دیگر آنها را به ادامه سکوت خفت بارشان در قبال مسئله فلسطین وادارند. شارون و دیگر شووینیستهای اسرائیلی نیز که مترصد چنین فرصتی بودند، بیش از پیش شمشیرهای برکشیده را عریان ساخته و ماشین تروریسم دولتی و نظامی خود را متوجه توده‌های مردم فلسطین و کشتار روزانه آنها نمودند.

بوش و آمریکا حسابی تصفیه نشده هم با اتحادیه اروپا دارند. کارزار برای این تصفیه حساب شروع شده است. علاوه بر اقدامات اقتصادی دولت بوش علیه اتحادیه اروپا از جمله تعرفه گمرکی بر واردات فولاد از این اتحادیه، در عرصه سیاسی نیز علائم این کارزار آشکار شده است.

حمایت مستقیم و کامل آمریکا از جنایات جنگی اسرائیل در فلسطین در حالی صورت میگیرد که هر روز مقامات مختلف اتحادیه اروپا چه در شکل اتحادیه و چه در در شکل اجزاء کشوری آن، به محکوم ساختن این اقدامات می پردازند. استفاده آمریکا از حق وتوی خود در جلوگیری از تصویب قطعنامه های شورای امنیت که اخیرا در دو مورد صورت گرفت، پیشتر مخالفین صریح با متحدان اروپایی خود در حمله به افغانستان و نشان دادن قدرقدرتی به رقبایی چون چین و روسیه بود تا حمایت از اسرائیل.

سرنوشت میلیونها انسان در خاورمیانه در بازی مرگباری که در جریان است، در معرض خطر قرار دارد. اگر روند رویدادها آنچنان که تاکنون بوده ادامه یابد، فاجعه‌ای عظیم اجتناب ناپذیر خواهد بود. جهت دادن به اعتراض عمومی در سطح جهانی علیه این روند و علیه خشونت و خونریزیها در خاورمیانه و تلاش برای بهم پیوستن نیروهایی طرفدار صلح از هر طرف امری واجب و عاجل است.

از سایت های حزب کمونیست ایران و کومه‌له برروی شبکه اینترنت دیدن کنید!

سایت حزب کمونیست ایران
www. cpiran .org
سایت کومه‌له
www. komalah .org
سایت رادیو صدای کومه‌له
www. radiokomaleh.com

پیشره‌و
ارگان
کمیته مرکزی کومه‌له
را می‌توانید با مراجعه به آدرس اینترنتی زیر دریافت کنید.
www.komalah.org

JAHAN-E-EMR UZ

JE - P:O:Box 3103 143 03 Vårby SWEDEN 5 April 2002 . NO: 81

Editor: Halmat Ahmadian ha@cpiran.org

فاروق نقشی

خاورمیانه در آستانه یک فاجعه عظیم!

وضع کنونی در خاورمیانه به درجه‌ای از وخامت رسیده است که حتی محافظه‌کارترین نمایندگان جناح راست در سطح جهانی را نگران ساخته‌است. جرج دبلیو بوش در پیام اخیر خود علیرغم اینکه حمایت مستقیم خود را از تروریسم دولتی اسرائیل بیان کرده، نتوانست نگرانی خود را از وخامت اوضاع را پرده‌پوشی کند.

این یک واقعیت انکار ناپذیر است. وضع در خاورمیانه به نقطه انفجار خود نزدیک میشود. اگر چاره‌ای اندیشه نشود، وقوع فاجعه‌ای عظیم اجتناب ناپذیر خواهد بود. فاجعه‌ای که کل جامعه بشری در مقابل آن مسئولیت خواهد داشت و هیچیک از دولتمردان حکومتهایی که مستقیم یا غیرمستقیم در پیدایش این فاجعه دخالت داشته‌اند، گریزی از پاسخگویی و پذیرش مسؤولیت عواقب این فاجعه را در مقابل دادگاه تاریخ نخواهند داشت.

بقدرت رسیدن «آریل شارون» در اسرائیل قریب به دو سال پیش، نقطه عطفی در تغییر مسیر اوضاع در خاورمیانه بود. شارون که حتی از قبل از بقدرت رسیدن با اقداماتی تحریک آمیز و حساب شده، مقدمات این تغییر مسیر را فراهم ساخته بود، در طول دو سال گذشته هر آنچه در توان داشته برای پیشبرد سیاستهای شووینستی خود بکار گرفته است. او و دولت تحت رهبریش نه تنها از انجام هیچ جنایتی فروگذار نکرده‌اند، که حتی افسوس جنایتهایی را میخوردند که در گذشته میتوانسته اند در سطح وسیعتری به آن مبادرت ورزند و گویا کوتاهی کرده‌اند. شارون حتی از این متاسف است که میتوانسته است در گذشته یاسرعرفات را به قتل برساند و نکرده است.

متهمان ردیف اول جنایات تاکنونی و فاجعه احتمالی آینده شارون، دولت تحت رهبری او و دولت آمریکا هستند. اما در این میان نقش گروههای فلسطینی و رهبران آنها چه بوده است؟ بدون شک گروههای بنیادگرای اسلامی در ردیف بعدی اتهام قرار دارند. آنها باید جوابگوی دهها مورد جنایاتی باشند که به کشتار و مصدومیت صدها انسان بیگناه اسرائیلی منجر شده است. یاسرعرفات و دیگر رهبران الفتح نیز از یکسو با چشم پوشی از اقدامات تروریستی گروههای افراطی و حتی گاها استفاده از آنها بعنوان یک کارت در بازی با طرف مقابل، و از سوی دیگر با از میدان بدرکردن توده‌های مردم و خانه‌نشین کردن «انتفاضه» بازی را کاملا به میدانی منتقل کردند که غایت مطلوب شووینیسم در اسرائیل و بنیادگرایی‌مذهبی در فلسطین بود. بغیر از این دو، کسان دیگری نیز در ردیف های بعدی اتهام قرار دارند. دولتمردان عرب، صاحب منصبان اتحادیه اروپا و رهبران کشورهای صاحب نفوذ در سازمان ملل از جمله چین و روسیه. البته نقش رهبران برخی کشورها دیگر که صاحب نفوذ کم و بیش تعیین کننده‌ای بر گروههای افراطی فلسطین هستند از جمله رهبران جمهوری اسلامی ایران را نیز نباید از نظر دور داشت.

تمامی این حضرات که هر کدام در صورت بکارگیری امکانات مختلفی که در دسترس دارند میتوانسته اند بر تغییر وضع پیش آمده موثر واقع شوند، بعضا با تحریکات خود و یا با چشم پوشی از جنایات بوقوع پیوسته و از دو طرف، بر وخامت اوضاع افزوده‌اند.

سیاست اتخاذ شده از سوی حکومت دست راستی شارون قطعا نمی‌تواند صلح و آرامش را برای شهروندان اسرائیلی بارمغان بیاورد. آنچه شارون و دولت تحت رهبری او میخواهند، نشستن بر سر میز مذاکره با فلسطینیانی است که به نهایت درجه تحقیر شده باشند، نشانی از کرامت و عزت نفس انسانی در آنها باقی نمانده باشد. و بازندگان و تسلیم شدگانی بدون قید و شرط بیش نباشند. چنین صلحی اولا در شرایط کنونی دور از انتظار می نماید. ثانیا و بفرض دسترسی به چنین صلح خفت باری، تداوم آن حتی باندازه سالهای باقیمانده از عمر شارون نیز نخواهد بود. چرا که برخلاف شارون میلیونها انسان دارای عزت و کرامت چه در اسرائیل و چه در فلسطین بسر میبرند که قطعا دیر یا زود مجددا علیه چنین خواری و خفتی به پا خواهند خاست.

سیاست بنیادگرایان افراطی در فلسطین و دولتهای حامی آنان نیز بلحاظ نظری سیاستی بغایت ارتجاعی و بلحاظ عملی حتی از سیاست دولت اسرائیل غیرعملی و ناممکن‌تر است. شعار «جنگ، جنگ تا پیروزی» آنهم پیروزیی که به زعم آنان عبارت از به دریاریختن همه ساکنین اسرائیل باشد. نه تنها شعاری بسیار ضد انسانی و ارتجاعی است که بسیار بیش از آن غیر واقعی است. آن دو ملت، اسرائیلیان و فلسطینیان چاره‌ای جز همزیستی،

صفحه ۷ ⇦

آدرس‌های حزب کمونیست ایران و کومه‌له

Communist party of Iran:
دبیرخانه حزب کمونیست ایران
C.D.C.R.I.
Box 704 45
107 25 Stockholm - Sweden
Tel/Fax +46-08-86 80 54
E-mail: cpi@cpiran.org

Representation of Komala abroad:
دفتر نمایندگی کومه‌له
در خارج کشور
K.K. P.O.Box75026
Box 750 26 Uppsala- Sweden
Tel/Fax: +46-18-46 84 93
E-mail: komala@cpiran.org

شماره تلفن و فاکس :
۰۰۴۶ -۱۸ -۴۶ ۸۴ ۹۳
ساعتهای تماس :
برای طرح سوال و
دریافت جواب پیرامون تائیدیه‌ها
روزهای دوشنبه و جمعه
از ساعت ۷ تا ۹ شب به وقت اروپا
۰۰۴۶ -۷۰۷۴۷۶۵۴۲
در بقیه موارد روزهای سه شنبه و پنج شنبه
از ساعت ۸ تا ۱۰ شب به وقت اروپا
۰۰۴۶-۱۸-۴۶ ۸۴ ۹۳

کومه‌له در کردستان
دفتر نمایندگی کومه‌له در سلیمانیه
Tel . 3124760 - 3125815
کمیته مرکزی کومه‌له
Tel. 0044-70-775 207 81
komalah@hotmail.com

صدای حزب کمونیست ایران
هر شب: ۲۰/۳۰ - ۲۱/۳۰
صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹
۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

صدای انقلاب ایران
ظهرها: ۱۳- ۱۴
عصرها: ۱۸ - ۱۹
۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز
۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز